

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی

دیربک کلاهدی



اشاره: شامگاه پنجشنبه ۱۸ خرداد از ساعت ۲۱الی ۲۴

**در اتاق کافه خبر کلاب هاوس موضوع بازنگری در قانون اساسی؛**
**اما و اگر،ها ضرورت‌ها و پیامدها با حضور جمع زیادی از کنشگران و صاحباننظر سیاسی مورد بحث قرار گرفت و آقایان دکتر کوکابیان و مهندس مرتضی الیوری و مهندس هدایت‌الله آقایی و مهندس قسقایلی سخن گفتند.**
**بخش‌هایی از سخنان مصطفی کوکابیان، دبیر کل حزب مردم‌سالاری به شرح زیر است:**

سلام عرض می‌کنم خدمت همه مخاطبان محترم و شنودگان ارجمند در ابتدا چند نکته را بیان می‌کنم: نکته اول: توجه داشته باشیم که این یک بحث کاملا کارشناسی و حقوقی و علمی و سیاسی و عالمانه است که می‌خواهیم مطرح کنیم. قانون اساسی آخرین بار سال ۱۳۶۸ بازنگری شده و الان عملا ۳۴ سال گذشته و زمان زیادی است برای اینکه ما در این مدت مشکلاتی را تجربه کرده باشیم و بخواهیم بازنگری انجام بشود.

نکته دوم حتما توجه داشته باشیم که بحث بازنگری در خود قانون اساسی هم پیش بینی شده یعنی اصل ۱۷۷ قانون اساسی کاملا پیش‌بینی کرده که این قانون اساسی بصورت دائمی نیست و اینجوری نیست که مثلا تا ظهور آقا امام زان(عج) همین نسخه واحد باشد و دیگر نشود دست به ترکبیش زد و تغییر ناپذیر باشد، نه می‌شود تغییراتی ایجاد کرد. اینکه انهام بزوند کسانی که طرفدار بازنگری هستند از خارج دستور می‌گیرند این بی‌انصافی است، وقتی در خود قانون اساسی پیش‌بینی شده یعنی نوعی توهین به کسانی است که قبل انتخابت کردند که می‌شود بازنگری کرد، مگر آنان طرفداران تفکرات خارجی بودند که چنین چیزی را پیش‌بینی کردند.

نکته سوم هم اینکه توجه داشته باشیم که سه دسته مخالف این بازنگری هستند.

یک دسته همان حافظان وضع موجودند، در کسانی که الان دست‌اندرکار هستند و در بخش‌های مختلف تقنینی، اجرایی، قضایی و نهادهای می‌گویند ما همین الان وضعی عالی و بسیار خوب است و بهترین حالت را داریم لذا ضرورتی نمی‌بینیم برای تغییر و تحول. یک دسته هم بالاخره کسانی هستند که می‌شود به آنها گفت اپوزیسیون

برانداز نظام جمهوری اسلامی که اساسا معتمدند هر گونه بازنگری خودش یک سوپاپ اطمینانی می‌شود برای این که فروپاشی نظام به تاخیر بیفتد و لذا ما اجازه نباید بدهیم این بازنگری صورت بگیرد و باید بگذاریم که زودتر این فروپاشی نزدیک بشود و ما به اهدافمان برسیم.

اما یک دسته سومی هم هستند که معتمدند که ما می‌ترسیم و ما نگرانانی داریم که اگر بخواهد بازنگری انجام بشود با توجه به ترکیبی که در بازنگری پیش بینی شده وضع را بدتر کند و انسداد و انقباض بیشتری در بحث حقوق ملت و امثال اینها ممکن است پیش بیاید و لذا اینها می‌گویند ما بایبیم مینبار را بگذاریم اجرای بدون تنازل اصول همین قانون اساسی و لذا خیلی موافق نیستیم من در می‌خواهم بگویم بازنگری در بحث قانون اساسی نباشد فروپاشی نظام قطعی است و این هدفی نیست که دلسوزان نظام حتی حافظان وضع موجود بخواهند و یا مثلا دوستیانی که عقیده‌شان این استست که بازنگری خوب است ولی ما می‌ترسیم وضع بدتر بشود، تمایل به آن داشته باشند.

من خدمت دوستان می‌خواهم عرض کنم که برای آن دسته‌ای که حافظ وضع موجودند خیلی ما جوابی نداریم و فقط می‌گویم شما دارید یک شمشا که به براندازی این نظام،اگر بخواهید هیچ بازنگری نشود، آنهاهی که هم اپوزیسیون هستند که ما صحبتی با آنها نداریم و ما را سوپاپ اطمینان می‌دانند و می‌گویند شما اصلا می‌خواهید نظام ادامه پیدا کند، اما به دسته سوم می‌گویم اصلا این تصویری که شما دارید درست نیست چون نمی‌شود در این وضعیت موجود بازی که الان در فضای مجازی داریم بگوییم یک ترکیبی بیاید هر چی دلش می‌خواهد بنویسد مگر می‌شود چنین چیزی، تازه اگر بخواهند بنویسند بعرض باید به فرزندوم بگذارند، خوب وقتی که ۹۰ درصد مردم در انتخابات تریه شرکت می‌کنند مگر می‌شود فرزندوم‌ها با ۲ یا ۳ میلیون شرکت‌کننده انجام شود، مردم اگر ببینند قانون اساسی باب میل‌شان نیست اساسا در فرزندوم شرکت نمی‌کنند تازه اگر شرکت هم کنند طبق آیین‌نامه باید نصف به علاوه یک باید رای بدهند و وقتی ببینند که باب میل‌شان نیست و بدتر شده و حقوق اساسی‌شان بیشتر نادیده گرفته شده حتما رای منفی خواهند داد

و یا اساسا تحریم می‌کنند و شرکت نمی‌کنند

یا اگر هم شرکت نکنند هیچوقت رای مثبت نمی‌دهند لذا این غنغنه به نظر من عدغه

درستی نیست، خیلی از اصلاح‌طلبان ۱۰۰

درصد با بازنگری موافقت ولی می‌گویند این

نگرانی وجود دارد، من می‌گویم این نگرانی

درست نیست چون اگر درست بود این

حافظان وضع موجود باید استقبال کنند بگویند بگذارید بازنگری بشود و ما سفت‌تر کنیم و اتفاقا آنها بیشتر مخالفند و می‌گویند نباید اصلا اجازه دهیم این کار صورت بگیرد و اصلا کلمه بازنگری را نوعی ذنب لا یغفر می‌دانند که اصلا نباید اتفاق بیفتد لذا من

این نکته را هم بگفتم که توجه داشته باشیم. نکته سونم: تازه اگر اینجا تاجیک می‌کنم که اصلا بحث بازنگری نباید جتایی باشد و الان هم بسیاری از اصولگرایان را می‌شناسم که طرفدار بازنگری قانون اساسی هستند و حتی بعضی اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام ولی صراحت با شهادت یا شجاعت بیان این دیدگاه‌هاشان را ندارند و خصوصی به ما می‌گویند که

قانون اساسی بی‌اشکال و خوب است و مشکلی ندارد، نه، آنها می‌توانند برای آن همایش‌ها انطور صحبت کنند اما واقعیت‌های ملموس و محسوسی که وجود دارد ما باید بپذیریم این منتقدین قانون اساسی فعلی اگر دلسوزتر از ما برای مردم و برای نظام و کشور نباشند قطعا کمتر از آنان نیستند اما خوب بالاخره الان آنها حافظان وضع موجودند و نیازی به تغییر و تحول نمی‌بینند و معتقدند این قانون اساسی را باید خوب اجرا کنیم، خوب اگر می‌خواستیم خوب اجرا کنیم حداقل ۳۴ سال که از آخرین بازنگری می‌گذرد اجرا می‌کردیم.

جناب مهندس الیوری ۸ مورد را مطرح کردند و بنده خدمتتان بگویم که بالاخره حدود ۵ سال است که ما داریم کار می‌کنیم و اولین‌بار در سال ۱۳۹۷ حزب مردم سالاری این بحث را مطرح کرد که ما باید برویم به سمت جمهوریت سوم و بازنگری قانون اساسی و همچنان این بحث را در کنگره‌های مختلف، مباحث مختلف پیگیری کرد و آخرین کنگره ما هم که اسفند ۱۴۰۱ بود همین بود که برون‌رفت از مشکلات فعلی کشور لازمه‌اش همین بازنگری در قانون اساسی است، لذا معتقدیم نیاز جدی جامعه ما هست با تاکید بر اینکه حتما باید اصول فعلی اجرا شود معتقدیم صرف این بحث اجرایی ندارد. حالا من فهرستوار خیلی سریع به دلیل ضیق وقت عرض می‌کنم، ما سعی مورد را در حزب مردم سالاری رسیده‌ایم، نه سی اصل، سی مورد را بهش رسیده‌ایم و این موارد اگر واقعا وجود داشته باشد قطعا مشکلات ما حل نمی‌شود و اینکه ما معتقدیم جمهوریت سوم را باید تجربه کنیم؛ باید یک مقداری از این دو تا جمهوری که پشت سر گذاشتیم یعنی از ۵۸ تا ۶۸ و از ۶۸ تا امروز که ۱۴۰۲ هست بگذریم.

از ۱۴۰۲ باید یک اتفاقات جدیدی در عرصه سیاست و زندگی مردم رخ بدهد، اولین مسئله‌ای که من خیلی سریع و فهرستوار می‌گویم، واقعیت این استست که ما هنوز یک هویتی برای نظام سیاسی خودمان تعریف نمی‌کنیم که آیا بالاخره این سن مدل شناخته شده نظام‌های ریاستی و نظام‌های پارلمانی و نظام‌های نیمه پارلمانی، ما کدامش هستیم؟ خوب سال ۶۸ هم حتی خواستیم که بالاخره بازنگری در قانون اساسی کنیم و نخست وزیری را حذف کنیم و به اصطلاح رئیس جمهوری را قدرتمند بکنیم واقعا این اتفاق نیفتاده، ریاست

جمهوری و نخست وزیری در هم ادغام شدند ولی عملا رئیس جمهور قدرت چندانئی ندارد و حالا حتی برمنای همین قانون اساسی مجلس هم می‌تواند عدم کفایت سیاسی‌اش را مطرح کند به‌خصوص که قدرت‌ها بیشتر توسط رهبری هست، من معتقدم اتفاقا ما در چارچوب هویت سیاسی با توجه به اینکه مدل رهبری را هم می‌خواهیم حفظ بکنیم، طرح‌های گوناگونی هست که ما اختیارات رهبری را کاهش بدهیم و این قوا را سر جای خودشان بنشانییم و بتوانند در مقابل مردم پاسخگو باشند.

متأسفانه من شنیدم اخیرا یکی از افرادی که الفبای سیاست را بلد نیست به همه احزاب توهین کرده و حالا سخنران است و صدا و سیما و شبکه افق و … او را می‌آورند؛ گفته ما با یک پدیده شومی مواجه هستیم که احزاب هستند، یعنی احزاب که تازه در ایران آ هیچ کاره هستند برای ایشان پدیده شوم هستند و باید بروند دنبال کارشان، واقعیت این است که در مورد انتخابات حزبی را تجربه نکنیم، حزب معننادر نیست، یعنی نمی‌توانیم بگوییم دموکراسی در جامعه است، نمی‌شود

بگوییم رقابت جدی است و نمی‌شود بگوییم مردم‌سالاری تحقق پیدا می‌کند، موضوع همین بحث‌های انتخابات و بحث ریاست جمهوری، اتفاقا ما دیدیم که با چه وضعیتی آخرین انتخابات ما برگزار شدوا و از یک جریان سیاسی حتی یک کاندیدا هم نبود، آقای آبی باطله شد فرد و بالاخره یک نفری آمد و رای آورد و از طرف شورای نگهبان تمام یک جناح سیاسی کنار گذاشته شدند، حالا یکی دو نفر هم از خودشان آمده بودند، نماینده جریان سیاسی اصلاح طلب نبودند، این وضعیت اینجوری است، در همین بحث انتخابات ریاست جمهوری ما ببینیم که چه مدلی استست که هنوز معیارهای صلاحیت،تجربس می‌شود نامعلوم است و مشخص نیست یک کسی که حالا

من نباید اسم ببرم، کجا بوده، چه کاره بوده تایید می‌شود، یک کسی سران فعلی سه قوه در یک همایشی است و او لاا قانون اساسی فعلی وجود ندارد و ما در مرحله اجرایی بحث داریم و بعضی هم تعابیری می‌کنند حکمروایی می‌کنند باید فرق کند و لاا قانون اساسی بی‌اشکال و خوب است

اشکال فقط خود مجلس خبرگان دارد، کی گفته است که مجلس خبرگان همه‌شان باید حتما مجتهد باشند؟ مگر رهبر فقط مجتهد است و کی گفته استست که اینها خودشان برای خودشان قانون بنویسند؟ هیچ کسی نمی‌تواند به مجلس خبرگان بگوید که شما قانونتان این شکلی است که خودتان اینکله اهل سنت الان مثلا در مجلس خبرگان می‌تواند عضو داشته باشند ولی زردشتی‌ها و ارمنه و کلیمنان در مجلس خبرگان که می‌خواهند رهبر را تعیین کنند هیچ نماینده‌ای ندارند. در مجلس خبرگان قانون اساسی در اول انقلاب بودند ولی حالا وجود ندارد.

درباره بحث‌های اقتصادی دوست داشتم آقای روغنی زنجانی بیشتر توضیح می‌دادند، بانک مرکزی ما مگر مستقل است؟ بزرگترین مشکلات ما از همین عدم استقلال بانک مرکزی است که باید حتما هر وقتی که وزیر اقتصاد اراده کرد یا رئیس جمهور اراده کرد بخواهند گراهایشان را انجام دهند، اما در دنیا تجربه شده که بانک مرکزی باید مستقل باشد یا در مورد خود دستگاه قضایی، ما واقعا وضعیت بسیار عجیبی داریم و هنوز که هنوز است نزدیک به ۲۰ میلیون پرونده ورودی در دستگاه قضایی داریم با یک جمعیت ۸۵ میلیون نفری. اما توجه داشته باشیم زاین با یک جمعیت حدود ۱۵۰ میلیون نفری کمتر از ۶۰۰ هزار پرونده ورودی دارد، با اصلا مگر رئیس قوه قضائیه‌علی‌رغم اقدامات خوبی که دارد آیا می‌تواند به نهادهای زیرمجموعه رهبری بگوید بالای

چشماتن ابروست یا چرا اینطور عمل می‌کنید؟ در شورای عالی قضایی که قبلا بود، وضع شورای عود و یک جایی انتخابی بود ولی الان عملا انتصابی است و استقلالی برای قوه قضائیه ما در قانون اساسی نمی‌بینیم و بالاتر بگویم، ارتباط بین مرجعیت دینی و رهبری ممکن است بگویید اینها مقوله‌هایی است که باید در عمل تعیین شود که نقش رهبری در مرجع تقلید و مرجع اصلی و ولی فقیه در بحث‌های معراج دیگر دارد دارای اهرامی است، من نمی‌گویم که فقط این سی موارد باید انجام شود، ولی موارد اصلی را هم که ما داریم کسی توجه ندارد.

یک مطالعه جدی برای مردم باید درست بشود که اینها توجه داشته باشند اما خوب وقتی که ما ببینیم بگوییم هر کسی از

قانون اساسی گفته شده است که اگر قانونی مغایرت با شرع داشت شورای نگهبان می‌تواند رد کند، اما اینها با ابهام هم رد می‌کنند. اگر هم مجمع می‌خواهد مجلس سنا باشد رسما باید گفته شود! شورای عالی امنیت ملی چه نقش‌هایی را دارد ایفا می‌کند و نمونه آخرینش هم ما دیدیم که مثلا حتی می‌آید در بحث بنزین هم دخالت می‌کند با اینکه شورای عالی امنیت ملی است و بعد می‌گویند مصوباتش هم لازم الاجرا است، بعد از تایید رهبری و اتفاقاتی که می‌افتد و عملا نهادهای دیگری با خاصیت می‌شوند با وجود این اختیاراتی که برای شورای عالی امنیت ملی تعریف شده

باید بروند سمت مسائل امنیتی ولی عملا در موارد زیادی دیدیم که دخالت کرده‌اند. درباره نهادهایی که خارج از قانون اساسی است اما وجود دارد مثلا شورای عالی انقلاب فرهنگی یا شورای عالی فضای مجازی چه اختیاراتی دارد، چه کارهایی می‌کند و چه کارهایی انجام می‌دهد، یا همین شورای هماهنگی سران سه قوه، اصلا معنا ندارد، از کجا در آورده‌اند این را و فقط به یک تعبیری که رهبری تایید کرده می‌گویند تمام استست دیگر، این داستان مولدسازی که اخیرا در آورده‌اند می‌گویند دیگر رهبری تایید کرده و باید انجام شود، نه مجلس تایید کرده، نه جایی رفته، با نهادهایی که اسم برده شده، این نهادهایی که اصلا اسم نیاورده‌اند، نهادهایی هم که اسم برده شده و بعد هم زیرمجموعه رهبری هستند چه کسی واقعا بر آنها نظارت دارد یا نهادهایی که اصلا زیر نظر رهبری هستند و اسم برده نشده، مثلا ببینید آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان، سازمان تبلیغات، ستاد اجرایی فرمان امام و … اینها قدرشان در مملکت کم نیست ولی جایی هم با پاسخگو نیستند و هیچکسی هم نمی‌تواند بگوید شما چه کار می‌کنید، حالا یک نهادی هم تعریف شده به عنوان بازرسی در نهاد رهبری ولی مگر بازرسی به جایی پاسخگو است، ما مسئله صدا و سیما را ببینیم؛ وضعیت که الان صدا و سیما با مخاطبینی که دارد، بیش از ۴۰۰ هزار نفر تیر نور دارد و بودجه‌های کلانی که می‌گیرد به هیچکسی

من معتقدم طرح مهندس میرحسین موسوی می‌تواند در درازمدت اجرایی شود، من واقعا در کنگره حزبی هم گفتم مهندس موسوی حرف درستی می‌زند ولی اجرایی شدنش سخت است و گام بعدی همین است ولذا ما می‌گوییم نه بحث تاکید بر اجرای اصول و نه بحث تشکیل مجلس موسسان جدید، همین

قانون اساسی را بازنگری کنیم و به نفع ملت عمل کنیم

هم پاسخگو نیست در حالی که یک شبکه الجزیره که بنده رفته بودم دیدم، آنجا گفتند در کل جهان ۳ هزار نفر نیرو دارند با حداقل امکانات.
مجلس هم می‌تواند عدم کفایت سیاسی‌اش را مطرح کند به‌خصوص که قدرت‌ها بیشتر توسط رهبری هست، من معتقدم اتفاقا ما در چارچوب هویت سیاسی با توجه به اینکه مدل رهبری را هم می‌خواهیم حفظ بکنیم، طرح‌های گوناگونی هست که ما اختیارات رهبری را کاهش بدهیم و این قوا را سر جای خودشان بنشانییم و بتوانند در مقابل مردم پاسخگو باشند.
متأسفانه من شنیدم اخیرا یکی از افرادی که الفبای سیاست را بلد نیست به همه احزاب توهین کرده و حالا سخنران است و صدا و سیما و شبکه افق و … او را می‌آورند؛ گفته ما با یک پدیده شومی مواجه هستیم که احزاب هستند، یعنی احزاب که تازه در ایران آ هیچ کاره هستند برای ایشان پدیده شوم هستند و باید بروند دنبال کارشان، واقعیت این است که در مورد انتخابات حزبی را تجربه نکنیم، حزب معننادر نیست، یعنی نمی‌توانیم بگوییم دموکراسی در جامعه است، نمی‌شود

بگوییم رقابت جدی است و نمی‌شود بگوییم مردم‌سالاری تحقق پیدا می‌کند، موضوع همین بحث‌های انتخابات و بحث ریاست جمهوری، اتفاقا ما دیدیم که با چه وضعیتی آخرین انتخابات ما برگزار شدوا و از یک جریان سیاسی حتی یک کاندیدا هم نبود، آقای آبی باطله شد فرد و بالاخره یک نفری آمد و رای آورد و از طرف شورای نگهبان تمام یک جناح سیاسی کنار گذاشته شدند، حالا یکی دو نفر هم از خودشان آمده بودند، نماینده جریان سیاسی اصلاح طلب نبودند، این وضعیت اینجوری است، در همین بحث انتخابات ریاست جمهوری ما ببینیم که چه مدلی استست که هنوز معیارهای صلاحیت،تجربس می‌شود نامعلوم است و مشخص نیست یک کسی که حالا

من نباید اسم ببرم، کجا بوده، چه کاره بوده تایید می‌شود، یک کسی سران فعلی سه قوه در یک همایشی است و او لاا قانون اساسی فعلی وجود ندارد و ما در مرحله اجرایی بحث داریم و بعضی هم تعابیری می‌کنند حکمروایی می‌کنند باید فرق کند و لاا قانون اساسی بی‌اشکال و خوب است

اشکال فقط خود مجلس خبرگان دارد، کی گفته است که مجلس خبرگان همه‌شان باید حتما مجتهد باشند؟ مگر رهبر فقط مجتهد است و کی گفته استست که اینها خودشان برای خودشان قانون بنویسند؟ هیچ کسی نمی‌تواند به مجلس خبرگان بگوید که شما قانونتان این شکلی است که خودتان اینکله اهل سنت الان مثلا در مجلس خبرگان می‌تواند عضو داشته باشند ولی زردشتی‌ها و ارمنه و کلیمنان در مجلس خبرگان که می‌خواهند رهبر را تعیین کنند هیچ نماینده‌ای ندارند. در مجلس خبرگان قانون اساسی در اول انقلاب بودند ولی حالا وجود ندارد.

درباره بحث‌های اقتصادی دوست داشتم آقای روغنی زنجانی بیشتر توضیح می‌دادند، بانک مرکزی ما مگر مستقل است؟ بزرگترین مشکلات ما از همین عدم استقلال بانک مرکزی است

که باید حتما هر وقتی که وزیر اقتصاد اراده کرد یا رئیس جمهور اراده کرد بخواهند گراهایشان را انجام دهند، اما در دنیا تجربه شده که بانک مرکزی باید مستقل باشد یا در مورد خود دستگاه

قضایی، ما واقعا وضعیت بسیار عجیبی داریم و هنوز که هنوز است نزدیک به ۲۰ میلیون پرونده ورودی در دستگاه قضایی داریم با یک جمعیت ۸۵ میلیون نفری. اما توجه داشته باشیم زاین با یک جمعیت حدود ۱۵۰ میلیون نفری کمتر از ۶۰۰ هزار پرونده ورودی دارد، با اصلا مگر رئیس قوه قضائیه‌علی‌رغم اقدامات خوبی که دارد آیا می‌تواند به نهادهای زیرمجموعه رهبری بگوید بالای

چشماتن ابروست یا چرا اینطور عمل می‌کنید؟ در شورای عالی قضایی که قبلا بود، وضع شورای عود و یک جایی انتخابی بود ولی

ان عملا انتصابی است و استقلالی برای قوه قضائیه ما در قانون اساسی نمی‌بینیم و بالاتر بگویم، ارتباط بین مرجعیت دینی و رهبری ممکن است بگویید اینها مقوله‌هایی است که باید در عمل تعیین شود که نقش رهبری در مرجع تقلید و مرجع اصلی و ولی فقیه در بحث‌های معراج دیگر دارد دارای اهرامی است، من نمی‌گویم که فقط این سی موارد باید انجام شود، ولی موارد اصلی را هم که ما داریم کسی توجه ندارد.

یک مطالعه جدی برای مردم باید درست بشود که اینها توجه داشته باشند اما خوب وقتی که ما ببینیم بگوییم هر کسی از

دبیر کل حزب مردم‌سالاری در اتاق کافه خبر کلاب هاوس؛

## اگر حکومت برای بازنگری قانون اساسی داوطلبانه اقدام نکند

## قطعا با اضطرار به آن تن خواهد داد

بازنگری قانون اساسی حرف بزند وابسته به خارج تلقی می‌شود
خوب خیلی‌ها می‌گویند ما حرفی نمی‌زیم که وابسته به خارج تلقی نشویم. ولی این بحث‌ها باید مطرح شود، صدا و سیما که اجازه نمی‌دهد ولی یک جایی باید بحث شود و عرفی‌سازی برای توده‌های مردم انجام شود.

ما ۳۴ سال است که منظریم همه اصول اجرایی شود و قوانینی که خود مجلس تصویب می‌کند و برنامه‌های ۵ ساله‌ای که نوشته می‌شود خودشان اعتراف دارند که حداکثر ۲۰ الی ۲۵ درصد اجرایی می‌شود و اگر بخواهیم بحث‌های کلان را اینطور مغفول بگذاریم و اصول قانون اساسی هم اینطور بر زمین بماند درست نیست.
خوب بحث‌هایی که می‌شود که حکمرانی خوب را اجرا کنیم و … خوب اینها در کوتاه مدت است و اجرا هم بشود خوب استست اما یک مرحله درازمدت هم هست که ما معتقدم طرح مهندس میرحسین موسوی می‌تواند در درازمدت اجرایی شود، من واقعا در کنگره حزبی هم گفتم مهندس موسوی حرف درستی می‌زند ولی اجرایی شدنش سخت است و گام بعدی است ولذا ما می‌گوییم نه بحث تاکید بر اجرای اصول و نه بحث تشکیل مجلس موسسان جدید، همین قانون اساسی را بازنگری کنیم و به نفع ملت عمل کنیم، ما شوخی داریم با همدیگر که تا ۴۰۰ طبق سند ۲۰ ساله می‌خواهیم قدرت اول منطقه بشویم که می‌بینیم چطور هستیم و شاخص‌های توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و جنبه‌های دیگر را داریم می‌بینیم و قدرت دهم اقتصادی برتر دنیا بشویم؛ به چند فلظ گالنه گفتم که نمی‌شویم در این دو سال سابقه تمدنی بسیار درخشانی دارد خوب باید همین بن‌بست‌های فعلی را حل بکنیم لذا من واقعا درخواستم این بود که در کنگره

از جناب آقای میرحسین موسوی که شما هم بایبید مهاهنگ بشویم که همین قانون اساسی من بست‌هایش رفع شود و به نفع ملت مشکلات حل شود، البته مقام رهبری هم باید کمک بکنند چون نقش اصلی را ایشان دارند و اصلا صدور فرمان همه‌برسی دست ایشان است و بسیاری هم می‌گویند رفزندوم بر اصل ۵۹ خب ایشان اشاره

کند به مجلس، مجلس هم تصویب می‌کند، بحث ما این استست که ایشان هم باید قبول بفرمانند که بسا این وضعیت ما به آن سندهای چشم‌انداز و آن توسعه لازم نمی‌رسیم، لذا ایشان هم بپذیرند و ما ب